اتنوگرافی هزاره ها

و

انقلاب ثور

گرد آورنده : محمد عوض نبی زاده کارگر

نام کتاب : اتنو گرافی هزاره ها
گرد آورنده : محمد عوض نبی زاده کارگر
تیراژ : ۳۰۰۰
محل چاپ : مطبعه دو لتی
سال : ۱۳۶۵
کابل ـ افغانستان

اتنوگرافی هزاره‌ها

انقلاب ثور

گرد آورنده : محمد عوض نبی زاده کارگر

ناشر
وزارت امور اقوام و قبایل
ریاست نشرات وامور فرهنگی

پیشگفتار

افغانستا ن کشور باستا نی‌ماکه‌خانه واحد همه ملیتها وواحد ها ی خورد و بزرگ و گوناگو ناست.درشرایط واوضا ع اجتما عــی و اقتصاد ی مشتر ك، بایگانگــی وار تباط محتوم‌حیا ت‌به سررسانیده دایم در راه سربلند ی وسعاد ت وشگوفا نی وطن کوشیده اند .

هزاره‌گا ن از دی رگا هها ودرطول تاریخ پر افتخا ر وطـــن ، مردمی بوده‌اند بر دبار وصبو راماهیچگاهی بمنظور حفظ خاك‌وناموس کشور ،د ربرابر تطمیع و تهد یدهای اجنبی و زور مندانی که‌وابسته به آنان‌بوده‌سر تعظیم وتسلیم‌فرودنیاورد ه اند .این ملیت بومی‌بـــا شرف و عزت نفس بمنظور حاکمیت ملی وسر بلند ی‌میهن در کنارهمه ملیت های برادر باپای مردی،اعتناوتوانمند ی کامل زیسته‌اند .

ولی ، این سر زمین باستا نی ماز گاهی که چشم استعمار گرا ن و استیلا پیشه گا ن غر بی به‌آن آشناوقدم نحس آنا ن درآن گذ اشتـــه

شد دیگر نتیجه سعی و تلاش برا ن قرار گرفته تا ملیت های برادر افغانستا ن رااز همدیگر ایشا ن بر کنار و متخاصم نگهدارند .و به اساس این سیاست استعمار ی وحدت آنا ن رابه تبعیض وامتیا زتعویض نما یند .لذابرخاش وستیز نده گی علیه همدیگر رایج وحاکم برسر نو شت خلق ماگردیده.از اینرو ، این سیاست تبعیض وامتیا ز تاپیروز ی انقلاب ملی -دموکرا تیک ثور به خصو ص مرحله نوین وتکاملی آن ادا مه یافت. که خوشبختا نه پیروز ی انقلاب ثو ر به اراد ه خلق افغانستا ن روفند ذهمهٔ آن نابسامانی ها و ناصوابی های زاده استعمار و عده یی ازاستعمارپسندا ن آن گردید .افغانستا ن مسیر آزادی را در پیش گرفت وباپیروزی انقلاب مردم ما ، کاملا به آن دست یافتند .

هزاره جا ت یابه قول عده یی ازاهل پژو هش و تحقیق بنا م غرجستا ن ، یادشده که مفهو م کو هستان را میرساند .هزاره جا ت منطقه وسیع و کو هسار ی است که در صفحه مرکز ی کشور جاداشته از نظر بر رسی افغانستان شناختی قابل یادآور ی ویک پدیده ونمود ی است دلپذیر ، برای کافه هم میهنان ووطن پرستا ن کشور .تا باشد روز وروز گار ی اهل روشنگر وپژو هش ، چهر ه زرین وپر هستی این سر زمین خویش را به شکل شایسته به تفحص گیرند .ومایاور مند آنیم که از فیض انقلاب و دست آورد های ملی آن به آرزو ی خود نایل می آییم .

(محمد عوض نبی زاده)
١٣٦٥

موقعیت ووضعیت جغرافیایی :

سر زمین هزاره جا ت ، درموجودیت و موضع جغرا فیا یی جا دارد که از جانب شه رق و شما لشرق به زیستگا ه برادرا نپشتون وتاجك ،از سمت غرب بابرادرا نتاجك وایما قها ،در ساحا ت جنوب وجنو ب غرب بابرادرا ن پشتو نودر سمت شمال هزاره جات بـا برادرا ن ازبك وتر کمن پیوسته‌گی‌دارند . که ای نپیوسته گی وآمیزش ها به صور ت دایمی مسا لمـت‌آمیز بوده چنانکه ،خصو صیت‌های فر هنگی واقتصاد یو محلی دریك‌دیگر شا ن پذیرا که گاهی هم و در موارد ی به خویشی وازد واجهاگره‌ودر همخو تی انجا میده است.

سرزمین هزاره‌جا ت ،دارا ی‌کوه‌های بلند ، دره های طویـل و فرورفته ، دریا های سر کش ودریاچه های شفا ف میبا شد. در کناره های این دریا ها ودا منه‌های‌کم عرض دره هازمینهای آبی زراعتی قرار داشته ولی ،ساحه تپه هـا ولاشه کوه ها مورد کشت جـو و گندم للمی ، تعبیه گردید ه که‌ا زآنها بهره بردار ی میشود. موقعیت کو هستانی هزا ره جات از سردترین مناطق کشور بوده که سرد ترین مناطق هزاره جا ت را، ناهور،پنجا ب ، لعل وسر جنگل و شبر تشکیل داد ه که زمستا ن هـا ی‌طولانی سخت و دشوا رهمراه بـا برف‌با ری‌ها وبرف کو چها ی‌مدهش‌توام است چنانکه در جه برود ت ساحه های فوق در حدو د چهـل‌درجه تحت صفر میرسد . ذکـر کوه و کو تلها ی هزاره جا ت مهم‌وقابل دلچسپی بود ه چون‌درمناطـق هزاره جا ت زمینها ی‌هموار خیلـی‌ناچیز و کمتر و جود دارد چنانکه از فرا ز یکی از کوهپایه هاو کوتل‌های سر به فلك کشیده آن و یااز ستیغ بلند کوه بـا با که به‌جوانب‌مختلف این مناطق نظر انداز ی‌شود که ی‌دشت و صحرا ها، خود گواه‌بر گفته ما خواهد بود .

کوه های زیبا و مشهور آن :

کوه بابا ، کو ه هــلا کو، کو هعروس ، بند پیتا و ، کوه شاه ،گل کوه ،کوه سر انداز و کوه سنگــک یخو غیره ...

کوتل ها یمشهور :

کوتل صدبرگ ، کوتل او نی ،کوتل زرد آلو ، کوتل زرد سنگ ، کوتل قو ناق ، کوتل ملا یعقو ب،کوتل شبر ، کوتل شاتو ، کوتــــل حاجی گك ، کوتل کالو ،و کوتـــــل برادرا ن است .

ـ کوتل اونی ، زاد گاه وسر چشمهدریای کابل و فراسو ی غر بی و شمال غر بی آن برخاست گاهدریایهلمند است . کو تلاو نیسه هزار و یکصد و پنج مترار تقاعداشتهکهآنرا مرتفع ترین بخش ومد خــــل شر قی مناطق هزاره جا تمیدانند.

ـ کوتل شبر ، در انتها یعلاقهداری شیخعلی که تقریبا در شما ل آن موقعیت داشته وو صــل در ه«شکاری» میباشد که ارتفا ی کوتل مذکور به سه هزار و پانزده متـــــرمیرسد .

این کوتل ، حایل بین ولا یـــتبامیا ن وولایت پروا ن بوده کـــه ضخا مت طبقه بر ف آن درزمستانبه یك متر و بیشتر از آن میرسد. وکوتل شبر ، قبل از احدا ثشاهراهسالنگ موصل سمت شمال کشور باکابل بود .

ـ کوتل ملایعقو ب ،مرتفع تریـــنکوتلها بوده که موصل ولسوا لی بهسود باولسوا ل یپنجا ب مـــــیباشد .

ـ کوتل حاجی گك ، که بیشترازسه هزارو سه صد متر ارتفا عدارد واقع درسیاه سنگ مربوط ولسوالیحصه اول بهسود بوده که در جنوب شرق در ۀ (کالو) مربو ط علاقداریشبر و در شمال غر ب در ه حاجی گك قرا ردارد .

سرزمین زیبا و طبیعی هزاره‌جات‌ویژه گی های به خصوص دارد که آشنا یی و معلوما ت ب ه‌ایـــــــن‌سر زمین از نظر جیولو ژی‌و جغرا‌فیا یی‌تحقیق‌وبررسی علمی راایجاب‌مینماید.

دریا ودر یاچه ها :

دریای نامور هلمند ،که از پا ی‌کوه بابا ی بهسود بر میخیزدوا ز گیزآب ارزگا ن عبور نموده دریا ی‌قلعه بست شهر لشکر گا ه‌وصل دریا ی ار غندا ب شده ،درریگستان‌سیستان فرو میرود .

دریای یکاولنگ :

این دریا ،ا زمنطقه بند امیـــــرسرچشمه گر فته وارد علاقدا ر ی بلخ آب وو لسوا لی سنگچار ک‌می‌شود .

دریای بامیان :

ا زکوه بابا سر چشمه گر فته‌ازدره شکار ی گذشته بولا یت‌بغلان وسمنگا ن میرسد . ودریا چه های‌ولسوا لی پنجا ب که هم ،از کوه‌بابا سر چشمه میگیرند از طر یـــق‌ولسوا لی های ورث و شهرستا ن به دریای هلمند میریزند .و همچنان‌دریاچه های ولسوالی های جاغوری ومالستا ن که ب ه‌دریا ی‌هلمند وصل‌میشوند .

نباتا ت و گیا های طبیعی‌وطبی :

این هاکه در سرزمین هزاره‌جات‌به‌و فرت یافت میشوند عبارت اند. از :

ـزیره.
ـبادیا ن .
ـجوانی .
ـخاکشیر .
ـزبان بره (بار تنگک)
ـگنده درونه .
ـسیاه چر غو(کاسنی)

ـتورکی درونه .
ـبزباش
ـبو لو(گندنای کوهی)
ـقوق.
ـرواش .
ـپونه (پودینه)
ـخطمی .
ـاسپه گك
ـتوسله .
ـسیچ.
ـبویه
ـخوله .
ـگنده مزاق .
ـکوزه تونی .
ـبلد و غو.
ـپالی
ـقاف .
ـنر کچور . (نر کچول)
ـالیله .
ـبوربو . (بدره)
ـاسپند .

وضع تاریخی :

در درازا ی زمان ، زنده گـــی هزاره گا ن مشحو ن بوده ا زحوادث ورویداد های ناگوار و فراز و فرودهای ، چه در مرفه حالی کم و لی،در مصیبت هاو رنج وغا رت و محرومیت کشی ها بیحدو حصر .از جمله یورش ها ی ی،در پی چنگیزیا ن،که توام بوده با کشتن و غارتهای

وبه آتش کشید نها مانند ، بـــه تارا جو آتش کشید ن شهر «غلغله» در بامیا ن ، حمله های ناکام دو رامیر دوست محمد خان توســـط قبیله چند که هاد ی آنان اجنبـــی‌ها بودند .از ظهور حواد ث خانما ن سوز دور تاریخی که بگذ ریم وضع هزاره گا ن د ردور جنگها ی ده ساله امیر عبدالر حمن خان ، به دگرگونی‌ها ویرانگر ی های جبرا ن ناپذیری کشید ه شده قتل و قتالها، حدوحصری ند اشتند ، مر گ و کشتار آدمان با چارپایا ن توام بود وامر ی بود قابل ستایش وثواب. غار ت و یغما ی اموا ل وغنایم حیاتـــی نیز ، بدینمنوا ل.هزاره گا ن کـــه صرف سیاست انگلیسی امیـــرعبدالر حمن راپذیرا نبودند وامیر را که بهانه ودستا ویز ش بود صرف باعقید ه مذهبی و شیعه گفتن وارایه الحاد به آنا ن. که در فرجام، شدت عمل و تاخت وترا ج و کشتار های امیر ، منتج شد به مظلو میـــت ومحرو میت ها ی دیر پا و فرار و مهاجرت این قوم وطن پرست بـــه سر زمینها ی همسا یه وبیگا نه-گان .

پس از مرگ امیر بی بندو با ر، ردور پسرش حبیب الله خان وضع مرد م کشور ، آرا مش نسبـــــی یافته و جنگ و خونریز ی ها تا حدود زیادی ته کشیدند .ومرد م به زنده گی عادی دست یافتند.هزاره جات که از اثر جنگهای دراز مد ت در تباهی و تشتت بی حسا ب فرو رفته بود ، مردم آن از لحاظ اقتصادی فرهنگی واجتماعی در موقعیـــــت ووضع ناهنجار و مظلو میت نـــــامظلو بی قرار داشتند ـ آن رویدا د دلخراش ده ساله دور امیر ،د رطرززنده گی مادی ، روانی ، حقار ت و اسارت و زند ه گی وسیا سی آ نان نیز تا ثیر های منفـــــی وســر خو ر ده گـــی هـــا ئی به جاگذاشت . که این پدیده ، ارث و ما جرا ی حسر تبار هم یکی دیگر ازصد ها پدید ۀ المبار تاریخـــی و اجتماعی ماست که نصیب وبه ارمغان انقلاب ملی ـ دموکرا تیك ثوررسید. وضع هزاره گا ن ،در دور شاه امان الله دموکرا ت ، بهتر شد و طو ق اسار ت و حقار ت ا زدوشـــــ وگرد ن این ملیت وطن پرست وصادق

ازهم گسیخته گردید .در روز گاروگردو نه شاه امان الله ، مـــرد م کشور به خصوص مردم هزاره مجال‌وفرصت آن را یافتند تا زنده گی از هم پاشیده وویرا ن شا ن راسروسا ما ن د هند و از نا بساما نی ها بر هند . وهزاره گا ن بودند کـــه‌دربرابر از مشی و حکومت شـــا ه اما ن‌الله‌بیدریغ‌دفاع کرده‌پشتیبانی‌خویش را ابراز داشتند .ازینـــرو در جریا ن سالهـــا ی (۱۹۰۱م) و(۱۹۷۸) یعنی در مدت بیشتر ازسه ربع قرن حادثه و موضوع چشمگیری‌که در زنده گی اجتماعی این‌مرد م رخداد ه اثر بارزداشته باشددرساحه‌زیست آنا ن به ظهور نرسید ه‌و لی این مردم ، از معا رف، شفا خانه،پروژه های ساختمانی و زراعتی ، سرك ورشد فرهنگی به کلی بـــی‌نصیب بوده ، نه اینکه از پست‌های دولتی و هرگو نه حقو ق‌وامتیازا ت‌اجتماعی محرو م نگاهداشته شده ، بلکه در آزا مورد تحقیر، تبعیض،تخریب و نفر ت قرار داشتنـــد . معهذا ،این مردم صاد ق‌وزحمتکش‌وخا دم و طن ،با پشت کار ،باهمت بلند و درستی عمل هموار ه درامرساختمان کشور به حیث نیرو ی عمده کار انسا نی سهم بارز وبی‌ریا داشته اند . از هیچگو نه سعی وتلاش واز خود گذر ی دریغ‌نورزیده‌در هیچ امر ی از امور کشور بـــی مبالات نبود ه‌اند . و هیچگاهی، درراه عمرا ن وطن دستا ن آنان خالی از آبله های کار و پیکار نبـــود ه‌است . چنانکه ،دریکی از شماره‌های جرید ه «پرچم» ارگا ن نشرا تـــی‌حزب دموکرا تیك خلق افغانستان، چنین میخوانیم :

(مرد م ز حمتکش وو طن پر ســت‌هزار ه که عمده تا در قلـــــب کو هستانا ت مرکز ی افغا نستان‌زند ه گی میکنند در امرانکشاف وخدمت به وطن محبو ب افغانستا ن‌سهم بزرگ ایفا کرد ه اند ایـــــن فرزندا ن ز حمتکش وطن‌در دشوارترین شرایط محیطی د رگرمـــا و سرما در دشت و کو هستا نا ت‌به‌وسایل ساد ه بیل و کلنگ تـــا وسایل غو ل پیکر ما شینی درخدمت‌آباد ی وطن قرار گرفته ،و پیوسته درخدمت خلق ومادر وطن کمربسته‌اند . کارگرا ن پاك دل ووطن پرست

هزاره توا نسته اندآنرافرابگیرندوبکار خستگی‌نا پذیرو عمل‌را ستین خود سکوت مر گبار دشت های وحشی و را م کرد ن در یاهاواعمار جاده های کو هستا نی اهلیت و طن‌پرستی خودرا ثابت سازند)

وضع اقتصاد ی هزاره‌گا ن :

هزاره جا ت یك سر زمین کاملاکوهستا نی است که سا حه های قابل زرع آن کم بوده چندان قابل‌زراعت نمی باشد .با این ، تمــــام ساکنا ن پیشه زراعت ومالداری‌داشته که اساس زنده گی آنان را تشکیل میدهد . چون نسبــــــت‌کو هستا نی بود ن زمینهـــــــا ی کشت وزر ع آن به غایت کم است .لذا زمینداراً ن حاصل کم از زمین های شا ن برداشته که این انداز ه‌تولید در هزاره جا ت فوق العاده ناچیز است . از این جهت، بایـدمتذکر شد که تکثر روز افـزو ن نفوس ، عدم کار خانه و کار های‌صنعتی ماشین وو ضع نامساعــــد طبیعی واقلیمی پشت این مردم رازیر بار اقتصاد هیچ وناچیز به‌انتها درجه خم کرده‌است . وبه خصوص‌شدت وکثر ت امرا ض دربیـــــــن اکثریت اهالی و به خصو صــــــ‌مر ض خا نما نسو ز لیر (جذا م)در مناطق لعل وسر جنگل ویکاو لنگ‌ولایت با میان .

زراعت در هزاره جا ت به شکل‌کاملا ابتدایی جریا نداشته ،قلبـه ذریعه گاوا ن صورت گر فته آبیاری‌ودرو ، جغل وپاك کاری گند م از کاه بادست و به رو شهای کهنی وعقب‌مانده انجا م میگیرد ، کشت‌آبی وللمی در تمام هزاره جا ت یـــــك‌فصله بود ه که این موضوع‌دهقانان را در محرو میت ، فقر ونیازمندی‌دایمی نگاهداشته است .اما، بااینهم گندم ، جو وجوار ی ، نخود،شاخل‌وکلول ، باقلا و عدس کشت ومورد استفاد ه قرار میگیرند .از رشقه وشبدر که بیشتر از دوبار درسا ل دور نمیدهد برای زمستان‌مــــال ومواشی و چار پایا ن استفاده میشود درسالها ی آخر ، زرع کچالو نیزتاحدود ی دربعض از نقا ط هزاره‌جات مثلا، درو لایت بامیا ن رایج گردیده‌که نتیجه قابل مـلاحظه یی ازآ ن در دست آمده . وشالی کاری هم ،در شهرستا ن ، سرخ جوی ورث

ولسوالی خوا جه عمر یوولسوالی‌دوشی صور ت گرفته که موردبهره بردار ی است . نسبت برو د ت‌هوا ، غرس واحدا ث باغهاودرختان میوه در اکثر منا طق هزاره جا ت‌معمول نبود ه تنها در مناطق گرمسیر چو ن، شهرستا ن ، جاغور ی، جغتوقر ه‌باغ ،دایکند ی و قسمـــا در ولسوالی یکاولنگ مرک زبا میا ن‌وجود داشته که از آنها رفـــع نیاز مندی میشود . درختان بید وچنار در همه جاو جود داشته که‌از آنها صر ف در پوشش مناز ل وساختن درواز ه ها استفاده میگردد. مالدا ری ودام پرور ی ،از فعالیت‌وکار های عمده اقتصاد ی این‌مرد م بوده چنانکه کمتر خانواده یی رامیتوا ن سرا غ کرد که د رکار دام داری تشبث واشتغا ل نداشتـــه‌باشد . زیرا ، تا حدو د ی تپـــه ها و کوه های هزاره جا ت ســـرسبز ودارا ی علفها ی مفید طبیعی میباشد . و علفچر های هم که‌زمینه‌رابرای مالدار ی مساعد گردانید ه است . چو ن در هزاره جا ت ا زهیچگو نه فابریکه و موسسه‌صنعتی نام‌ونشا نی که جوابگو ی نیازمندی‌ومشغولیت و تربیه آنا ن در کارهای صنعتی وماشینی گردد وجـــودندارد ازاین رو، مردم خود برابر با استعداد و سلیقه و جدو جهد شان‌سعی و تلاش به خرچ داده ، گلیم، برك ، شال ، نمد ، کرك، خا مك‌دو زی ، جرا ب ، جاکت ودیگـــر اشیا ی پشمی را با زیبا یـــی وکیفیت خاصی تولید نموده که اگراز جا نبی جو ا بگو ی نیاز مندی های‌شا ن‌است . از جانبی این فر آورده های دستی از محبو بیت و پسندعام‌وخاص مرد م کشور نیز بر خوردار است که خوشبختا نه د رروز گا رحا ضرصنعت‌قالین‌با فی‌هم‌دربعضی از مناطق هزاره جا ت رایج‌گردیده.حرفه های نجا ر ی ، آهنگـــر ی وخیا طی به شکل کیفی واطمینان‌بخش آن در هزاره‌جا ت در خـــور ستایش و پدید ۀ امید وار ی‌آینده‌ماست .

دربخش تجار ت :

تجا رت هزاره‌گا ن ، به صور ت‌عنعنه یی وساده آن رایج بوده که اکثر اهالی مناطق اجناس واشیا ی‌از قبیل : زیره ، بادام ،خسته ،

شیرین بویه ، چوب تعمیرا تـــی،کچالو ، پشم ، روغن حیوا نـــی، گوسفند ، گلم وبرك ، نمد ،قر وت‌وجا کتها ی پشمی را آنهم به‌مقدار کم و ناچیزی در جا های مختلـــف‌و شهـــــر کابل انتقا لوعر ضــه نموده دربرابر مواد اولیه وضروری‌مایحتا ج شان را تهیه ودرزیستگاه های شا ن انتقا ل میدهند .

بخش فرهنگی :

خلق هزاره ، (نودوپنج) فیصدمذهب اثناعشر ، (چار) فیصد پیرو فرقه اسماعلیه یك فیصد مذ هـــب‌تسنن داشته واز نظر فیصدی کمتر اهل تشیع « اخبار ی » دارند . ازعنعنه های مردم هزاره است که‌اهل سادات خویش را ا زخاندا ن بنی‌هاشم دانسته به آنان احترا م می نمایند چنانکه ،دست های آنان رابوسیده ه از پنج قسمت عوا یـــد خانواده یك قسمت آن را به نـــام«خمس» به اهل سادات می پردازند. هزاره‌گا ن ، به‌زبا ن دری(لهجـــه‌هزاه گی) سخن گفته اما با اینهـــم طرز صحبت و گفتا ر های لهجه‌یی‌بین قبایل ده گانه آنان باکـــــم تفاوت های در جریا ن است.مردم‌هزار ه در سرود ن شعر عا میا نه وادبی ، نثر نویسی ، تاریخ‌نویسی‌وداستا ن سرا یی ید طو لا نـــی داشته که بخش پر افتخار فرهنگی‌کشور مارا تشکیل میدهد . که بد بختا نه مد تی از رشد آن جلـــوگیر ی به عمل آمده هیچگو نـــه تو جهی صور ت نگر فته اما ،خوش‌بختا نه و باصراحت میتوا ن‌گفت‌که بعد از پیروز ی موفقا نه انقـلا ب‌ملی ـدموکرا تیك خلق افغانستا ن، به منظور تبار ز ورشد فرهنگ‌غنی ، پسندیده ه ودیر پای خلـــق هزار ه ،اقدامات سود بخش وعملی‌روی دست گرفته شده که‌دراکثـــر نشرا ت کشور تبا رزنموده‌چنانکه‌طبع‌و نشر اشعا ر ادبی وعا میا نه ضرب المثلها ، فلکلور ،داستان ،مقاله های در زمینه تاریخ وسرنو ـ شت این قوم ، طی مجله ملیت های‌برادر و جریدهٔ ندای کهسا رارگان نشراتی شورای مرکز ی مـــرد م‌زحمتکش ملیت هزار ه به چـــاپ ونشررسیده و«گلهای کهسار»رساله«لهجه های مروج مردم هزار ه ،

دایزنگی ، بهسود و جاغوری ، که‌طبع گردید ه د ردسترس علاقمندان ومرد م ماقرار گر فته .

نمونه های از چار بیتی ، چستان‌وضر ب‌المثلها :

چاربیتی :

لب ج ویه لب جو یه گلی مه.
چطور لالان و مجرویه گلی مه.
زدست مردمان دوراز انصا ف .
سخن باما نمیگو یه گلی مه.

• • •

چطور از دور پیدایی موهردو.
عجب از عشق سودایی موهردو.
به مثل روزه داران روزه دار ی.
بیاکه روزه بکشا یی مو هردو

• • •

دیدی مه کولی (کلاه) گلدا ر مودوزه .
یك ،دو نمو دوز ه بسیا ر مـودوزه .
به دو ختو (دو ختن) یار مه‌جوره‌نداره
جوب (اندازه ، برابر) سـر یادلدار مودوز ه .

• • •

ضرب المثلها :

روی بچی توره از خاطر روی‌بچی‌خود خو مخ (ماچ) موکنم .
(در مورد ارادتمندی)

مه از شیر بزه کان خو (خود)،توچکه وسر خکان (نوع میــــو ه کوهی)

(در مورد تعاو ن واتفا ق و بی‌امتیازی)

خر تو اگه آورده نتانست، برده‌هم نمیتانه .

(در مورد سو غات وسیالداری)

د رمورد چیستان

رسپون (ریسمان) رسه رسه(پارچه پارچه) هر چه دراز کنی میرسه

(چشم)

دسترخان زنگا لی سر تاپایشی‌مرواری

(آسمان)

طاقچه ، پر میخچه .

((دهن)

قورغول بره بازیگر نه دل داره‌نه جگر

(مشك دوغ)

هزاره گا ن مانند سایر ملیت‌ها،اقوام و قبایل کشور ،دارا ی سنن وعرف و عنعنه های پسندیده بوده‌که از دیر گاه و پارینه های دور ، حافظ فر هنگ اصیل مرد می وملی‌وسروده ها ی‌خوش و منتخب خویش بوده‌اند ، که البته این‌سروده ها از نظر مناطق مختلف باآواز و لحن های گو ناگو ن‌توسط‌آله های متنوعی چو ن ، دنبوره، سه تار ، غیچك ، توله نواخته وخواند ه میشود که اینها همواره به شکل زیاد گرم و دلچسپ آن درمراسم اعیاد ، روز های ملی ، جشنوار ه ها ومراسم عرو سی‌وغیر ه بر گزار میگردد .و همچنان در شبهای زمستا ن افسانه گو یی،داستان سرا یی نقل ازسرگذ شت های بزرگا ن و فولکلو ر هاوخواندن‌کتا بها ی «حمله حید ری »(جنگ نا مه حضرت علی) شاهنا مه‌فردوسی و کتابها ی عاشقا نه‌توسط اشخاص خوش لحن وخوش آوا زسرود ه وخواند ه میشوند . واز ، باز ی های محلی مانند : پشپو زدن،کشتی گیر ی ، نیزه زد ن واسپ دوانی نشا ن زدن ، پر تاب سنگ،دور میخ ، گرك وبره مروج است .
هزاره گا ن روز های خاص‌ومقدس‌مذهبی شا ن چو ن ، روز نورو ز ده محرم، لیلته القد ر ، عید غدیر(خم غدیر) برا ت و چار شنبه

سو ری را باآکرا م و عقیده خاصی‌تجلیل و تعقیب مینمایند که توا م است با نذر و خیرا تها .

وهمچنا ن دهقانا ن که روزهای‌اول سال واخیر سا ل رادرزیارت گاه و یا مساجد به منظور حاصل‌زیاد از کشت و کارشا ن تجلیل وبر گزار مینمایند که اینهم‌باداد ن‌نذر و خیرا ت ها انجام میگردند .

بخش اتنوگرا فی ملیت هزاره:

در مورد هزاره گا ن بو مــــی‌کشور ما ،اشخا صی را عقیده براین بود ه که هزاره گا ن بقایا ی ا زلشکریا ن چنگیز خان بوده چنانکه، در زمینه حکا یه های‌افسانه وا رسرداد ه شده جعل پرداز ی ها و نظر های ناصوا ب به مردم ماارایه‌گردید ه که ازاین رو ، باید به‌این نادرستی های غیر باور ی وقعـــی‌نگذاشت زیرا ، ریشه هـــمگو ن‌و علمی و تاریخی ندارد . وبعض ازاهل نظر وموسفیدا ن این قو م را عقید ه مطمین بر این است که وجه‌تسمیه هزار ه جا ت که اصـــلا هزار جها ت یعنی هزار ه دره‌است.نظر به تحقیق ومطالعا ت علمـــی بعض از دانشمندا ن واهل خبر ه‌وتماس های که باموسفیدا ن محـــل ها صور ت گر فته در باره منشاءتاریخی تجمع ملیت‌هزار ه ،آنا ن راعقیده براین است که ملیت‌هزاره‌ازلحاظ تشکل تاریخی واتنو گرافی (طایفه ، نژاد) به قبایل بز رگـ‌ومختلفی منقسم و مسما گردیده اند که هریك از آنا ن به «دای » یادمیشو ند .

«۱ـ کلمه «دای » که معنا یشـــ‌دسته ، توده ،مجمو عه بسیا ر و بزرگ است .هم در اساس‌مساکن‌وهم در نام مردم ونام آشیا تاکنون باقی است . جامع التواریخ‌اشخاص‌را از قو م فقرا ت که‌از جمله‌قبایل ترك است بنا م های ، بایو دای ـد ی‌نو یان ، تودای خاتون ضبـــط کرده‌است .

۲ـبایودا ی همان هر باتا ن‌بد یشا ن تعلق داشته ... تو دا ی‌خاتون است . در فارسی باستا ن کلمـــــه«دهیو» به معنا ی اقلیم ، سر زمین وولایت به کار میرفته است .

۳ـامکان دارد کلمات دی زنگی سر زمین زنگی بای ـ دایکند ی‌سر زمین کندی بای ـ دای میرداد سرزمین میرداد ـدای دیغو ـسر زمین دهگا ن همه از همان کلمه (دهیو)ما خوذ باشد که از آنگاه تاکنون بر جا مانده‌اند و کلمات « بیو ،با یو بیگ ودی بصور ت‌بسیط و مرکب د راسمامختلف وجود دارند.

(دی) در زبان هزاره گی خواه‌بسیط ،خوا ه به معنا ی ذیل تاکنون مستعمل است:

دی ، کود و خره بز رگــــــ‌علف ، کاه ،هیز م وغیره که بشکل ذخیر ه بز رگ روی هم انباشته‌باشد .دی بسیار زیاد ، مشـــــا ل رو غو دیدی دره .یعنی رو غـــــن‌بسیار دارد . ونیز «دای» به شکل پیشو ند در اسما،دیز نگی،دیکندی،دی دیغو ، دی چو پو ،دی میرداد دی ختا ی موجود. است ...)

نمو نه های از فر هنگ شفاهی‌هزاره گی

کاندید اکاد میسین شاه علی‌اکبرشهرستانی .

واما ، به عقیده هزاره گا ن‌وعوام‌کلمه دای ، به معنا ی تجمع خر من وانبار شد ن است . چنانکه دربین‌برادرا ن پشتو ن ما ، قبیله، طایفه خیل ، زی ، دسته و شاخه یـــــادمیشود .

بدین ترتیب ، ملیت هزار ه بـه‌قبایل و یا(دای) های بز رگـــــ ذیل تقسیم و یاد میشوند :

۱ـدای ختای (ارزگان)
۲ـدای میر کشه (در جاغوری)

۳ـدای فولاد (شمال ارزگا ن)
٤ـدایکنه ی (جنو ب غرب‌دایز نگی وایماق)
٥ـدایز نگی (در جنو ب غر ب‌کوه بابا)
٦ـدای‌میرداد(در شر ق‌دایز نگی)
۷ـدا ی‌دهقان (در بهسودشرقی)
۸ـدای چوپا ن (در جنو ب‌شرق‌دایکندی)
۹ـدای قوز ی (در شمال با میان‌وشبر)
۱۰ـدای میر ك
۱۱ـدای کلان (در علاقدا ر ی‌شیخ علی و لایت پروا ن)
۱۲ـدا مرده گا ن (در ولسوالی‌های بهسبود و لایت ورد ك وقره‌باغ ولایت غزنی)

دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان در تاریخ کشور باستانی وطن پرافتخار ما اولین دولتی میباشد که مصمم است تساوی کامل و واقعی حقوق و امکانات مساویانه را برای رشد مادی و معنوی همه ملیتها، اقوام و قبایل کشور تامین کند.

برنامه عمل

اول : قبیله دای زنگی که شاخه های آن قرار ذیل بوده در ولسوالی های پنجاب ورث ویکاولنگ ولایت بامیان وولسوالی های لعل وسرجنگل ولایت غور بود و باش دارند.

درولسوالی پنجاب :

- شاخه لکمزایی . (قوم لکزئی) ← قبیله
- شاخه شاهی . ← قبیله
- شاخه تانی .
- شاخه زیور .
- شاخه مرکه وبابه جی.
- شاخه مترغی .
- شاخه باتورک .
- شاخه فردوس .

- شاخه شخالا .

- شاخه ماموتو .

- شاخه دلتمور .

- شاخه محمود .
- شاخه سه پای .

درولسوالی ورث :

- شاخه شخه :

- شاخه میرپچه .

- شاخه زایدم :

- شاخه پیرمزید .

- شاخه میرزا .

- شاخه یاری .

- شاخه برفی .

- شاخه پتره .

- شاخه مقدم :

- شاخه باتورك .

- شاخه شاهی .

- شاخه لگزایی .

- شاخه بابه جی .

- شاخه غیب علی .

- شاخه خوردک زایی .

در ولسوالی یکاولنگ :

- شاخه قوم آبه .

- شاخه میربچه .

- شاخه خوردک زایی .

- شاخه صالح .

- شاخه لاکو .

- شاخه تکانه

- شاخه انده ورستم

در ولسوالی لعل وسرجنگل :

- شاخه قره قول دغی .

- شاخه نوروزبیگ .

- شاخه حیدربیگ .

- شاخه اسدالله بیگ .

- شاخه میررجب .

- شاخه اسمیل .

- شاخه بوبک .

-شاخه شدک .

-شاخه کره .

شاخه بابه‌جی .

دوم؛ قبیله دایکندی که شاخه های آن قرار ذیل بوده و در ولسوالی دایکندی ولایت، ارزگان بود باش دارند :

-شاخه خدیر .

-شاخه خودی .

-شاخه دوده .

-شاخه حیدربیگ .

-شاخه دولت بیگ

شاخه احمد بیگ

- شاخه فیرستان .
- شاخه میرهزار .
- شاخه ساربان .
- شاخه نیکه
- شاخه پیکر .
- شاخه قم علی .
- شاخه چاوش .
- شاخه عبدی .
- شاخه وسمه .
- شاخه پای بوغه .
- شاخه پیرعلی .
- شاخه عینک

- شاخه سونه .

- شاخه مامکه .

- شاخه ترموش .

- شاخه قوم مادی.

- شاخه خوشک .

- شاخه پاینده .

سوم : قبیله دای میرکشه که شاخه های آن قرار ذیل بوده درولسوالی های قره باغ جغتو، خواجه عمری ناهور ولایت غزنی سکونت دارند :

درولسوالی جاغوری :

- شاخه اته .

- شاخه حوتقول .

- شاخه ده مرده .
- شاخه هیچه .
- شاخه بابه .
- شاخه چهل باختو .
- شاخه سنگ ماشه .
- شاخه پاطو .
- شاخه مشکه .
- شاخه خوشه .
- شاخه کری .
- شاخه زیرک .
- شاخه داود .
- شاخه انگوری .

- شاخه حیدر .

- شاخه دولت شاهی .

- شاخه قره .

- شاخه باغوچری .

- شاخه خدایداد .

- شاخه بوسعید مهاجری .

- شاخه لومان .

- شاخه اکنه .

- شاخه خیرمحمد .

- شاخه سیدعلی .

- شاخه معصوم .

شاخه نصرالله .

- شاخه مرده خوش
- شاخه احمد .
- شاخه شعله .
- شاخه بابه‌کمال .
- شاخه سید احمد علودال
- شاخه باریک .
- شاخه شیرزایده
- شاخه ایذدری .
- شاخه المیتو .
- شاخه سبزچوپ
- شاخه تبرغنک

-شاخه کمرک .

درولسوالی قرباغ :

-شاخه محمد خواجه .

-شاخه جمال .

-شاخه بهبود .

-شاخه دلتمور .

-شاخه چهاردسته .

-شاخه دای میرک .

-شاخه ده مرده .

درولسوالی جغتو:

-شاخه محمد خواجه .

-شاخه نوربیگ .

-شاخه قطغیت .

-شاخه بیات .

-شاخه شاهو .

درولسوالی خواجه عمری :

-شاخه الیاس .

-شاخه بیات .

چهارم : قبیله دای فولاد که دارای شاخه های ذیل ودرولسوالی های مالستان ، اجرستان ولایت غزنی وولسوالی کجران ولایت ارزگان زندگی مینمایند :

درولسوالی کجران :

-شاخه میرهزار .

-شاخه خوشکه .

-شاخه الله یار .

-شاخه قورمه .

-شاخه گنجی .

شاخه غوله .

شاخه گدای .

شاخه میکه .

درولسوالی مالستان :

-شاخه ملکی .

-شاخه مکنک .

-شاخه پشی .

-شاخه شیرداغ .

- شاخه ایچه .

- شاخه میرآدینه .

- شاخه موریتی .

- شاخه داله .

- شاخه خوردک زایده .

- شاخه میراحمد .

د ولسوالی اجرستان :

- شاخه دایه .

- شاخه باسی .

- شاخه دای بکره .

- شاخه بریکی .

پنجم :- قبیله دای کلان که شاخه های آن قرار ذیل بوده ولسوالی های سرخ پارسا، دوشی و علاقداری های شیخ علی، تاله برفک، دهن غوری و درهزاره های - علاقداری حصه دوم پنجشیر سکونت دارند :

در ولسوالی شیخعلی :-

-شاخه نیمان .

-شاخه کرم علی .

-شاخه قره لوغ .

-شاخه خدای داد

-شاخه غایب داد .

-شاخه امورداد .

-شاخه عبدالواحد .

- شاخه زی قاضی .

- شاخه زی عزیز .

- شاخه شکرالله خوشحال .

- شاخه توچی .

- شاخه میرکه .

- شاخه بهلول .

- شاخه مقصود .

- شاخه زی کاکه .

در علاقداری حصه دوم پنجشیر :

- شاخه باباعلی .

- شاخه سهرعلی .

- شاخه سنگی خان .

-شاخه گلاب خیل .

-شاخه دوست علی .

در ولسوالی سرخ پارسای ولایت پروان:

-شاخه خدیر .

-شاخه الله داد .

-شاخه شیرک .

-شاخه دولت خوانی .

-شاخه علی خوانی .

-شاخه قوتندر .

-شاخه سرخ .

-شاخه رحمن قلی .

-شاخه ابدال .

- شاخه لطف الله .

- شاخه فقیرالله .

- شاخه پاینده .

- شاخه زی عطا .

- شاخه شخه .

- شاخه بابه تول .

- شاخه مخفی .

- شاخه شادمحمد

- شاخه منصوربیک

در ولسوالی غوربند ولایت پروان ؛

- شاخه فرینجل .

- شاخه لیج .

- شاخه قول خول .

د رعلاقداری تاله وبرفک ،

- شاخه کرم علی .

- شاخه اش خوجه .

- شاخه علی جم .

- شاخه شیخ علی .

درعلاقداری دهن غوری ولایت بغلان :

- شاخه نیمان .

- شاخه دای میرک .

- شاخه علی جم .

- شاخه تغي .

- شاخه لرخوی .

- شاخه ده‌مرده .

- شاخه بهبود .

- شاخه گاوی .

- شاخه قره‌لوغ .

در ولسوالی دوشی ولایت بغلان :

- شاخه گاوی .

- شاخه گری .

- شاخه چهل‌غوری .

- شاخه علی‌جم .

- شاخه نیک پی .

- شاخه شیخعلی .

-شاخه لن خوی .

-شاخه کوه گدای .
شاخه کرم علی
-شاخه اش خوجه ،

ششم :- قبیله دای دهقان که شاخه های آن قرار ذیل بوده در ولسوالی های حصه اول دوم بهسود ولایت وردک و ناور ولایت غزنی سکونت دارند:

در ولسوالی مزکز بهسود :

-شاخه قبتیستان .

-شاخه خواجه حسن .

-شاخه بهسود .

-شاخه میرشادی بیگ ،

-شاخه راموز .

-شاخه نوری .

شاخه شیرداد .

-شاخه میریچه .

-شاخه دوست دار.

-شاخه چوکندنه .

-شاخه تیزک .

-شاخه اب پای .

-شاخه درویشان .

در ولسوالی نا ور ولایت غزنی :

-شاخه مومرک .

-شاخه تره قول .

-شاخه میزه .

شاخه درویش علی .

شاخه میرشادی بیگ .

-شاخه بهبود .

-شاخه میربچه .

-شاخه خوردک زای .

-شاخه کلان زای .

-شاخه جمبود .

-شاخه خان بیان .

-شاخه خانبهادر .

-شاخه مرک .

-شاخه برک .

-شاخه چولی .

- شاخه میرچهل کند .

- شاخه بابه که .

- شاخه علی دوست .

- شاخه خوردی .

- شاخه الله داد .

- شاخه عطا .

درولسوالی حصه اول بهسود :

- شاخه دولت قلی .

- شاخه چولی .

- شاخه دولت مراد .

- شاخه ملامراد .

- شاخه موشله .

شاخه جانم .

- شاخه برغسان .

- شاخه قول خویش .

- شاخه خالیق .

- شاخه جرغی .

- شاخه برجکی .

- شاخه الوالحسن .

هفتم :- قبیله دایمیرداد که شاخه های آن قرار ذیل بوده که در علاقداری دای میرداد ولایت وردگ و ولسوالی قره باغ ولایت غزنی سکونت دارند :

در ولسوالی قره باغ ولایت غزنی :

- شاخه دامرده .

-شاخه دولـه شه .

-شاخه گا ومرده .

درعلاقداری دایمیرداد :

-شاخه علودال .

-شاخه مقصود .

-شاخه حیات .

-شاخه پشکر .

-شاخه دوله شه .

-شاخه قلندری .

-شاخه نخری .

-شاخه درمان .

-شاخه نرخی .

-شاخه جمبوغه ،

-شاخه مومک .

-شاخه سلایمو.

-شاخه چنکه .

-شاخه توله خشه .

هشتم :- قبیله دای قوزی که شاخه های آن قرار ذیل بوده و در علاقداری شبر و قرا، مرکز - ولایت بامیان، کهمرد و سیغان سکونت دارند :

در علاقداری شبر ولایت بامیان:

-شاخه درنمان .

-شاخه غندک .

-شاخه خیده .

-شاخه شیخه .

-شاخه جلیش .

-شاخه عادل .

-شاخه ایام .

-شاخه شاک .

-شاخه کشی .

-شاخه شاه قدم .

-شاخه عراق .

-شاخه غلام علی .

-شاخه ماموت .

-شاخه جولاء .

-شاخه رشک .

-شاخه بدل.

-شاخه قوچنغی .
-شاخه کودی .
-شاخه جمع علی.

-درولسوالی کهمرد وسیغان

-شاخه خواجه علی .

نهم :-قبیله دای میرک که یکی ازقبایل کوچک ملیت هزاره بوده ودرولسوالی های مرکزبهسودولایت وردک وحصه اول بهسود وردک وعلاقداری دهن غوری ولایت بغلان سکونت دارند .

دهم :-قبیله دای چوپان که شاخه های آن قرارذیل بوده که درجنوب شرق ولسوالی -

دایکندی در ولسوالی های اجرستان ولایت غزنی شهرستان و خاص ارزگان ولایت ارزگان ـ و ولسوالی دای چوپان ولایت زابل سکونت دارند:

در ولسوالی شهرستان :

- شاخه خوش امدی.

- شاخه غولکه .

- شاخه میره مور.

- شاخه لرکو.

- شاخه برکر.

در ولسوالی اجرستان ولایت غزنی :

- شاخه باسی .

- شاخه دای بکره .

- شاخه بریکی.

- شاخه دایه .

در ولسوالی خاص ارزگان ولایت ارزگان:

- شاخه زاولی.

- شاخه سیدان .

- شاخه شالی .

- شاخه باغچار ،

- شاخه کالو .

- شاخه سیاه بغل .

- شاخه حسینی .

- شاخه سیوک .

شاخه های که در ولسوالی گزاب ولایت ارزگان

بودوباش دارند :

- شاخه میانه تاغ .

- شاخه بری .

- شاخه زین .

- شاخه خلج .

یازدهم : قبیله دای ختای که بشکل پراگنده در ولسوالی های خاص ارزگان ، گزاب گجران ولایت ارزگان زنده گی مینمایند قبیله مذکور به مرور زمان بداخل شاخه های جداگانه ادغام گردیده است .

دوازدهم : قبیله دامرده گان در ولسوالی های : مرکز بهسود ولایت وردک ، قره باغ ولایت غزنی ، و علاقداری دبن غوری ولایت بغلان سکونت

داشته به مرور زمان قبیله مذکور در بین شاخه های دیگر ادغام یافته و کدام شاخه جداگانه از خود ندارد .

قسمتی از قبایل دوازده گانه مناطق هزاره نشین کشور در زمان سلطنت امیر عبدالرحمن خان از مناطق اصلی بود و باش شان در ولسوالی ها و محلات زون شمال شرق و شمال غرب کشور فراری گردیده که ذیلاً از محلات مسکونی شان نام برده میشود :

١- ولسوالی خان آباد ولایت کندز .

٢- علاقداری علی آباد ولایت کندز

٣- علاقداری های خنجان ولایت بغلان و دره هزاره های پنجشیر ولایت پروان .

٤- ولسوالی های اندراب ولایت بغلان ولسوالی نهرین ولایت بغلان .

۵- ولسوالی های تیوره، تولک، پسابند ولایت غور مرکز ولایت بادغیس .

۶- ولسوالی های چمتال، بلخ ونهرشاهی ولایت بلخ .

۷- ولسوالی درهٔ صوف ولایت سمنگان .

۸- علاقداری های شولگره چارکنت ولایت بلخ .

۹- ولسوالی های سرپل وسنگ چارک ولایت جوزجان

۱۰- علاقداری بلخ آب ولایت جوزجان .

۱۱- قریه جات پشت بند مرکز ولایت سمنگان .

۱۲- ولسوالی پلخمری ولایت بغلان .

۱۳ - ولسوالی روی دوآب ولایت سمنگان .

۱۴- ولسوالی کشم ولایت بدخشان .

۱۵- علاقداری خوشی ولایت لوگر .

۱۶- مراکز ولایات هرات، کندهار و تخار، شهر مزار شریف و بلمند.

باید تذکر داد که قبایل دوازده گانهٔ ملیت هزاره در مراکز ولایات و لسوالی ها و علاقداری های فوق الذکر با فیصدی های مختلف و شاخه های جداگانه زنده گی مینمایند.

وضع خلق هزاره بعد از انقلاب ثور:

انقلاب ملی ـ دموکراتیك ثور را(دیگر گونی های حیاتی درسطح ملی). آنچه در وضع تاریخی هزاره‌گان تا انقلاب ثور گفته آمد ، بر هیچیك از اهل خبره، چیز فهم وروشنفکران و وطن پرست پوشیده نبوده حتا برای فرد فرد موسفید، سالخورده گان تمام ملیت های خورد وبزرگ کشور .و لی از آنجاوروز گاری که پنجه وقدم های خناس استعمار یا جهان خوار هانگلیس بر تانوی در سر زمین باستانی وناموز افغانستان فر وگذاشته شد دیگر از هم گسیخته‌گی ملی و برادری ،ستم و تبعیض ملی رایج گردیده سود او بازار ، امتیاز عمل ورو نما شد . شاه‌اما ن‌الله ، که بنیا ن گذار دوستی افغانستان واتحاد شوروی شد وخشت و آجر محتوم وپایه دار خلق این دوکشور همسایه وبرادر رانهاد .این به مذاق سالارا ن بی فر هنگ وخود کامه داخلی وغارتگران انگلیسی بد آمده، نتیجه همان شد که سراسر ملیت های نیك‌نیت افغانستا ن زیر چکمه های ویرانی قرار گر فته تخم امتیازوتبعیض تاحد بینهایت کاشته شد همه ملیت ها، تحت ضرب، تاخت‌وتا ز غار تها کمر خم نمو دند .به خصوص به شکل زیاد بی‌رحمانه،ملیت مظلو م هزار ۀ وطن .اما خو شبختانه که آن جریا ن وزما ن‌برخلق افغانستا ن نتوانست که دیر گاه هان بپا ید ، زیرا ،کـه‌انقلاب کبیر اکتوبر ، گاه‌ها پیش تاثیر ش را در سرنو شت وجان‌مردم افغانستا ن گذاشته وبخشوده بود. خلق نجیب وپاك طینت‌افغانستا ن ،با استعداد فطری وخدا داده شا ن ، باآنکه سالهاپیش‌گرد ن در طو ق اسار ت‌واستعما ر کهن نتها ده بودند وحا ل که‌پنجه‌های امپریالیز م ایالات متحده امریکا در شوو ن سیاسی‌واجتماعی‌واقتصاد ی خلق افغا ن نفوذ داد ه شده بود ، دیگر نمیتوانست کـه‌انقلاب ملی ـدموکراتیك درافغا ـ نستا ن صورت نگیرد . چو ن‌انقلاب‌خواست مرد م افغانستا ن بود و

انقلاب و آزاد ه منشی در خـــون‌وجان مرد م ما، عجین و به سر شت شده بود ازینرو انقلاب پـــیروزشد و خلق افغا نستان حا کم‌سر نوشت وراه وهدفی راکه انتـخاب‌کرده، بودند بدان نایل شدند.درین میان ، به‌خصوص خلق هزاره‌وطن.

بعد از پیروز ی انقلاب ثـــور ،بالا خص بعد از پیروز ی مر حله تکامل آن ، تمام ملیت های براد رافغانستا ن در کنار هم باتساو ی حقو ق کامل قرا رداد ه شدند. ازجمله هزاره گا ن در بخش ‌هـــای، سیاسی ،اجتماعی ، اقتصا د ی وفرهنگی بر خوردار گردیدند . ا ز همه که بگذریم ، ایجاد وتاسیســ‌شورای مرکز ی مردم زحمتکشــــ ملیت هزار ه را باید یاد آور شد .تا سیس این شو را ، یـــــــک پدید ه تصاد فی نبود ه‌این حاصــــل‌کار و عمل انقلاب و حـــــــز ب دموکرا تیك خلق افغا نستا ن است‌که میتوا ن آنرا یکی از دست آورد ها ی سیاست ملی وانسا نی انقلاب‌وحزب دانست ، که درآن هزار ه‌ها به حل امور زنده گی شا ن میرسند.از این جهت هزاره گا ن بعد ا ز ، انقلاب ثور ، به منظور تحکیم پایه‌های انقلاب‌و حاکمیت ملی سهم ، معین و برازند ه در ایجاد قوت‌ها ی‌قومی و گرو ه های مدافع انقـلاب گرفته سهم و تصمیم بیدریغ‌درتقو یت صفو ف قوای مسلح ج.د.ا. ، (اتخاذ نموده اند. ازیمن وفیضـ‌انقلاب زمینه برای شمو ل هزاره‌گان در کادر های ملکی ، نظا می ،دولتی،حزبی و به شکل همه جانبه در همهٔ امور اجتماعی میسر گردید ه که بیشتر فراهم‌میگردد،اکنون ،درواز، های تحصیل همه موسسه هـــا ی‌تعلیمی و قوا ی‌مسلح به‌رو ی‌هزاره‌ـ گان باز است . وزمینه شمول‌جوانان‌وفرزندا ن ملیت هزار ه در تمـــام موسسه های تحصیلی و علمی کاملامیسر ومهیا میباشد .